

ارتجاع اسلامی بار دیگر جنایت آفرید!

اعلامیه سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان در محکومیت کشتار مردم بی‌دفاع و محروم دایکندی

در ادامه جنایات گروه های اسلامی در افغانستان، که بر اقتضای شرایط طالب یا داعش نامیده می‌شوند، ارتجاع اسلامی بار دیگر جنایت هولناک دیگری را در ولایت دایکندی مرتکب شده است. افراد مسلح در این ولایت چهارده تن انسان بی‌گناه و بی‌دفاع هزاره را به جرم تعلق انتنیک‌گی شان وحشیانه به رگبار بسته و کشته اند؛ در این اقدام جنایت‌بار چهار تن دیگر نیز به شدت مجروح شده‌اند. این جنایت در حالی اتفاق می‌افتد که امارت اسلامی تروریستان طالب که در همراهی و حمایت آشکار دولت آمریکا و متحدان آن دوباره به قدرت سیاسی برگردانیده شدند از امنیت و مصونیت مردم می‌لافد. با وجود سوق جامعه افغانستان به دوران توحش و بربریت، تحمیل نابرابری و فقر گسترده، کشتار و آزار مردم و راندن مطلق زنان از اجتماع به حکم شریعت اسلامی و تحکیم توتالیتریزم، امارت تروریستی طالبان همچنان مورد حمایت دولت‌های سرمایه‌داری قرار گرفته و هفته‌وار میلیون‌ها دالر از دولت آمریکا، دولت‌ها و نهاد های دیگر جهانی برای تحکیم و استمرار قدرت شان دریافت می‌نمایند.

ظاهراً مسؤلیت کشتار وحشیانه در دایکندی را همزاد طالبان، داعش خراسان، به عهده گرفته است. دولت‌های آمریکا، ایران و سازمان ملل هم این جنایت منتسب به داعش را محکوم نموده و از حاکمیت طالبان، که خود در کشتار مردم افغانستان و وحشی‌گری ید طولایی دارد و از جمله بیشتر از هشت هزار از فرودستان هزاره را در مزار، یاکولنگ و بامیان و در حمله به مراکز آموزشی و زایشگاه در دشت‌برچی کشته است و در ضمن آن آزار سیستماتیک محروم‌ترین مردمان هزاره را در کارناه سیاه‌اش دارد، تقاضا کرده‌اند که تا قاتلین را شناسایی و محاکمه نماید.

زمان زیادی از جریان همکاری رسمی و مشترک طالبان و داعش نمی‌گذرد و عده ای از رهبران نظامی طالبان در حال حاضر در رأس رهبری نظامی گروه منسوب به داعش قرار دارند. طالبان و داعش هم به دلیل باور دینی مشترک شان مبنی بر مُشْرک خواندن هزاره ها و هم به دلیل تعصب دیوانه وار فاشیستی و برتری طلبی نژادی، هیچ تفاوتی از هم ندارند. گذشته از آن هر دو محصول و فرآورده نظام سرمایه‌داری جهانی و در خدمت منافع و پیش‌برد استراتژی قدرت های سرمایه‌داری در رأس امپریالیسم آمریکا اند.

با این حال مسؤلیت کشتار های وحشیانه‌ای این چینی و در گُل بربریت حاکم، صرفاً محدود به قاتلان سلاح به دست و موجب بگیری که بر روی افراد بی‌گناه آتش می‌گشایند، نگر دیده بلکه پای آمریکا، شرکای غربی و بازوی نظامی جنایتکار ناتو را که نقش مستقیمی در بر گرداندن طالبان به قدرت داشتند و در خلق این تراژیدی های دهشتناک سهم دارند نیز به میان می‌کشاند.

بحران اقتصادی مزمن کنونی تبعات عمیق اجتماعی و سیاسی دارد که با قدرت گیری مجدد طالبان و برپایی امارت اسلامی سرمایه سیر صعودی کسب نموده است. این وضعیت در کنار سلطه تئوکراسی و هنجارهای بدوی منجر به گسترش دامنه فقر، بی‌کاری و محرومیت گسترده و همه‌گیر گردیده که این خود زمینه و امکان بسیج نیرو را برای نیروهای ارتجاعی و مزدور چون طالبان و داعش مساعد می‌سازد.

اولین گام برای تغییر بنیادین شرایط بغایت غیرانسانی در افغانستان، به زیر کشیدن امارت اسلامی طالبان و پایان دادن به سلطه خونبار و هژمونی فکری آن است، که مشروعیت جنایات و اعمال ضدانسانی شان را از آن کسب می‌نمایند. در این راستا سر و سامان دادن و به میدان آوردن نیروی اجتماعی نافی این وضعیت؛ به همه کنشگران جنبش های اجتماعی برابری طلب و آزادی‌خواه به ویژه جنبش سوسیالیستی در گستره اجتماع است که ماهیت لابی‌گری کشور های غربی و سازمان و نهادهای مرتبط به نظام سرمایه‌داری مانند سازمان ملل، مؤسسه صلح نوبل و... که سهم مستقیمی در هموار کردن زمینه برای به قدرت رسیدن دوباره طالبان داشتند و امروز هم در تلاش مشروعیت بخشی به آن اند، را افشا نموده و روشن نمایند که راه رسیدن به یک زندگی متعارف انسانی و خلاصی از توحش و کشتار و جنایتی که امروزه مردم دردمند در دایکندی شاهد آن اند، از مسیر کریپور های قصر سفید، سازمان ملل و کشور های غربی نمی‌گذرد. بایست توهم را کنار گذاشت و به سینه نیروها و فیگورهای که همچنان توهم پراکنی می‌نمایند دست رد زد و ماهیت و منافع واقعی ای را که این نیروها و فیگورها دنبال می‌کنند افشاء کرد. باید ضد تلاش هایی که با نقشه و آگاهانه این را به مردم تلقین می‌کنند که گویا طالبان یک پدیده افغانستانی و بخشی از واقعیت آن جامعه است و به این دلیل در معادلات قدرت سیاسی در افغانستان باید سهم باشند، قاطعانه ایستاد. به هژمونی فکری صاحبان ثروت و سرمایه که از قبیل تناقضات اجتماعی و برای سهم شدن در قدرت سیاسی به نام "عدالت" به آرا و افکار ناسیونالیستی می‌دمند و دشمن تراشی می‌کنند، پایان داد. ایدئولوژی ناسیونالیستی با هر صورت و قالبی که ظاهر شود در نهایت از انفکاک انسان‌ها و تعارض و تقابل آن‌ها بر این اساس آغاز می‌کنند. باید برای نفی همه نابرابری ها، ستم و تبعیض بر هر بنیادی که استوار باشند، ایستاد و برای بر پایی جامعه‌ای تلاش کرد که در آن انسان سوای ملیت، زبان و جنسیت‌اش از شأن و حرمتی برخوردار باشد.

ننگ و نفرین ابدی بر قاتلان مردم محروم دایکندی!

نابود باد امارت اسلامی سرمایه!

نان، کار، آزادی!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۲۴ سنبله ۱۴۰۳ ، ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴

